

واکاوی کارکردهای فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌الملل *

مهدی حاجی احمدی^۱، نازنین ملکیان^۲

چکیده

در دنیای امروزی، فضای مجازی به‌عنوان فضای لامکان، نقش برجسته‌ای در تعاملات بین‌المللی دارد. پژوهش حاضر، با هدف بررسی تأثیر فضای مجازی بر توسعه پایدار روابط بین‌المللی و با رویکرد تحلیلی-انتقادی و روش تحقیق آمیخته به انجام رسیده است. در مرحله کیفی، با استفاده از روش دلفی، کارکردهای فضای مجازی از نظر ۳۰ نفر از خبرگان شناسایی شد. در فاز کمی، این کارکردها در قالب پرسشنامه توسط ۳۸۴ نفر از متخصصان سنجش شد و داده‌ها با آزمون‌های تحلیل عاملی و رگرسیون تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که سه کارکرد اصلی اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی شناسایی شدند که همگی تأثیر معناداری بر توسعه پایدار روابط بین‌الملل دارند. با این حال، کارکرد اقتصادی دارای بیشترین ضریب تأثیر است و دو کارکرد دیگر در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. همچنین، چالش‌هایی مانند نبود برابری در دسترسی به فناوری دیجیتال و امنیت اطلاعاتی به‌عنوان موانع کلیدی شناسایی شدند. نتایج پژوهش، بیانگر آن است که غلبه بُعد اقتصادی فضای مجازی، بیش از آنکه بستری برای توسعه متوازن باشد، در حال حاضر تحت سیطره منطق «جامعه شبکه‌ای» عمل می‌کند که در آن، جریان‌های سرمایه بر تعاملات اجتماعی و ملاحظات زیست‌محیطی اولویت دارند. بر این اساس، فضای مجازی به‌طور هم‌زمان یک نیروی همگرا (در اقتصاد) و واگرا (در تشدید نابرابری‌های اجتماعی) است و تحقق کامل ظرفیت آن برای توسعه پایدار، نیازمند سیاست‌گذاری فعال برای مدیریت چالش‌ها و تقویت ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی است.

کلید واژه‌ها: توسعه پایدار، روابط بین‌الملل، شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷

Doi: <https://doi.org/10.22034/imrl.2025.515708.1308>

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری با موضوع الگوی راهبردی مدیریت فضای مجازی در ایران با تأکید بر پایداری امنیت ملی و روابط بین‌المللی می‌باشد، که در گروه علوم ارتباطات دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی به راهنمایی دکتر نازنین ملکیان و توسط مهدی حاجی احمدی در حال انجام است.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم ارتباطات، گروه علوم ارتباطات، دانشکده ارتباطات و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mahdi.hajiahmadi1282@iaiu.ir

۲. دانشیار علوم ارتباطات، گروه علوم ارتباطات، دانشکده ارتباطات و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). n.malekiyan@iauctb.ac.ir

مقدمه



ظهور فناوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش فضای مجازی، نه تنها نحوه زندگی انسان‌ها را تغییر داده است بلکه نقش آن در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی نیز قابل توجه است. فضای مجازی به‌عنوان یک محیط بدون مرز، فرصت‌ها و چالش‌های فراوانی برای امنیت ملی کشورهای مختلف ایجاد کرده است.

در دنیای معاصر، توسعه سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر در زمینه روابط بین‌المللی شناخته می‌شود. فضای مجازی، که شامل شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم (سکو)های دیجیتال، هوش مصنوعی و زیرساخت‌های سایبری است، نقش محوری در تغییر نحوه تعامل بین کشورها، سازمان‌ها، و حتی افراد عادی، ایفا می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فضای مجازی به‌عنوان یک ابزار قدرتمند، قادر است در حوزه‌های مختلف مثل دیپلماسی سایبری، مدیریت بحران‌های بین‌المللی، تجارت الکترونیک بین‌المللی و حل مناقشه‌های بین‌المللی نقش‌آفرینی کند (Nye, 2022). با این حال، این فضا، همچنین مخاطرات و چالش‌هایی نظیر حملات سایبری، انتشار اطلاعات نادرست، اختلال در امنیت ملی و استفاده از هوش مصنوعی در عملیات ضداستراتژیک را به‌همراه دارد (Kello, 2023). بنابراین، پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان از فضای مجازی به‌صورت مؤثر و پایداری برای توسعه روابط بین‌المللی استفاده کرد؟

فضای مجازی، با ارائه فرصت‌های جدید برای تعاملات بین‌المللی، به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی توسعه پایدار در این زمینه در نظر گرفته می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که استفاده از این فضا، می‌تواند به تقویت همکاری‌های بین‌المللی، تسهیل تجارت الکترونیکی و حتی حل مناقشه‌های بین‌المللی کمک کند (UNODC, 2020: 18). از طرف دیگر، مسائلی نظیر امنیت سایبری، مدیریت ریسک‌های فناوری اطلاعات و تأثیرات اجتماعی-اقتصادی فضای مجازی، نیازمند توجه و برنامه‌ریزی دقیق هستند.

روابط بین‌المللی، در دوران دیجیتال به‌صورت گسترده‌ای تحت تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات قرار گرفته است. فضای مجازی، با ارائه فرصت‌های جدید برای تعاملات بین‌المللی، همچنین چالش‌هایی را برای مدیریت این روابط ایجاد کرده است. از یک سو، این فضا می‌تواند به تقویت همکاری‌های بین‌المللی، تسهیل تجارت الکترونیکی و حتی حل مناقشه‌های بین‌المللی کمک کند. از سوی دیگر، مسائلی نظیر امنیت سایبری، هک شبکه‌ها، انتشار اطلاعات نادرست و تأثیرات اجتماعی-اقتصادی فضای مجازی، موانعی برای استفاده مؤثر از این فضا ایجاد کرده‌اند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تنها کمتر از ۳۰٪ کشورها در حال حاضر از راهبردهای کارآمدی برای مدیریت فضای مجازی در روابط بین‌المللی استفاده می‌کنند (UNODC, 2020: 22). این



وضعیت نشان می‌دهد که هنوز نیاز به تحقیقات بیشتری در این زمینه وجود دارد. لذا، این مطالعه به بررسی کارکردهای فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌المللی می‌پردازد و سعی دارد به سؤالات مهمی نظیر موارد زیر پاسخ دهد:

- چگونه فضای مجازی می‌تواند به تقویت همکاری‌های بین‌المللی کمک کند؟
- چه چالش‌هایی در استفاده از فضای مجازی برای مدیریت روابط بین‌المللی وجود دارد؟
- چگونه می‌توان از این فضا برای حل مناقشه‌های بین‌المللی استفاده کرد؟

پیشینه پژوهش

حاجی‌احمدی و ملکیان (۱۴۰۳) نشان داده‌اند که تعامل و هماهنگی رسانه ملی و سیاست خارجی، تأثیر پررنگی بر نظام حکمروایی و نظم اجتماعی دارد. همچنین، روابط معناداری با همبستگی متوسط و قوی بین شاخص‌های «دیپلماسی رسانه‌ای» و «روابط بین‌الملل» وجود دارد، اما بین «بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگ و هنر در دیپلماسی رسانه‌ای» و «روابط علمی و تکنولوژی» همبستگی قابل ملاحظه‌ای مشاهده نشده است. مهربانی‌فر (۱۴۰۳) نتیجه گرفته است که علی‌رغم تأکید سیاست‌ها بر مشارکت مردمی در فضای مجازی، کیفیت آن به درستی تعریف نشده است و جایگاه رسانه‌های محلی برای تسهیل این مشارکت و تقویت سرمایه اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها خالی است.

روحانی و همکاران (۱۴۰۲) به تبیین نقش سیاسی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و امنیتی فضای مجازی در حکمرانی ملی پرداخته‌اند و با تأکید بر اهمیت امنیت، این چهار مؤلفه را اصلی‌ترین مؤلفه‌های تأثیرپذیر از فضای مجازی در حکمرانی کشور دانسته‌اند. آقایی و همکاران (۱۴۰۱) ادعان داشته‌اند که فضای مجازی با فراهم ساختن امکان نشر اندیشه‌ها و تسهیل برنامه‌های عملیاتی، نقشی محوری در انقلاب‌های مدنی ایفا می‌کند و روابط سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ابوالقاسمی و همکاران (۱۴۰۰) دریافته‌اند که مهم‌ترین هدف آمریکا از گسترش رسانه‌ها، افزایش قدرت نرم، پیشبرد سیاست خارجی و ترویج ارزش‌های آمریکایی مانند لیبرالیسم برای هم‌شکل‌سازی کشورها با نظام سیاسی و اجتماعی خود است.

بیولا و مانور^۱ (۲۰۲۲)، استدلال می‌کنند که دیپلماسی دیجیتال از یک ابزار ارتباطی ساده به عنصری حیاتی در سیاست خارجی تبدیل شده است و دولت‌ها از آن برای مدیریت بحران، شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی و ایجاد ائتلاف‌های راهبردی استفاده می‌کنند. مایورر^۲ (۲۰۲۰)،

1. Bjola, C., & Manor, I.

2. Maurer, T.



نشان داد که مهم‌ترین تأثیر اینترنت، انتشار دسترسی آن با توانایی ایجاد اثرات از راه دور در سطح جهانی است. همچنین، نحوه نگرش دولت‌ها به فضای سایبری که متأثر از نظام سیاسی داخلی آنهاست، رفتار بین‌المللی آنها را شکل می‌دهد و به رقابت بر سر هنجارهای این فضا دامن می‌زند. فارل و نیومن^۱ (۲۰۱۹)، با طرح نظریه «وابستگی متقابل سلاح‌شده»^۲، نشان می‌دهند که ساختارهای شبکه‌ای در فضای مجازی به ابزاری برای اعمال قدرت در روابط بین‌الملل تبدیل شده‌اند. کشورهایی که نقاط کلیدی این شبکه‌ها را کنترل می‌کنند، می‌توانند از این موقعیت برای اهداف راهبردی بهره‌برداری کنند.

همپتون^۳ و همکاران (۲۰۱۱)، بیان کرده‌اند که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به افزایش تعاملات بین‌المللی و تقویت ارتباطات میان‌فرهنگی کمک کنند، اما ظرفیت استفاده به‌عنوان ابزاری برای اختلال طلبی را نیز دارند. کاپلان و هینلین^۴ (۲۰۱۰)، نیز نقش شبکه‌های اجتماعی در ترویج فرهنگ‌ها و افزایش تعاملات میان‌فرهنگی را بررسی کرده و بر لزوم مدیریت صحیح برای جلوگیری از سوءاستفاده از آنها تأکید کرده‌اند. کاستلز^۵ (۲۰۱۰)، نقش فضای مجازی در حذف مرزهای جغرافیایی و تقویت تعاملات بین‌المللی را بررسی کرده و بر نیاز به مدیریت مناسب آن تأکید می‌کند.

مطالعات پیشین، عمدتاً بر جنبه‌های خاصی از تأثیر فضای مجازی بر روابط بین‌الملل تمرکز داشته‌اند. دسته‌ای از تحقیقات، مانند مطالعات حاجی‌احمدی و ملکیان (۱۴۰۳) و بیولا و مانور (۲۰۲۲)، به کارکردهای فضای مجازی در حوزه دیپلماسی، مدیریت بحران و شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی پرداخته‌اند. دسته دیگر، همچون پژوهش فارل و نیومن (۲۰۱۹)، بر ابعاد راهبردی و امنیتی شبکه‌های دیجیتال تمرکز کرده و چگونگی استفاده از وابستگی‌های اقتصادی در این فضا را به‌عنوان ابزار قدرت، تحلیل نموده‌اند.

با وجود این، نقطه افتراق اصلی و نوآوری پژوهش حاضر در دو جنبه کلیدی نهفته است: اولاً، خلاء اصلی در پژوهش‌های پیشین، نداشتن یک چارچوب منسجم است که کارکردهای گوناگون فضای مجازی را به‌صورت یکپارچه و در قالب مفهوم «توسعه پایدار» با ابعاد سه‌گانه آن (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) تحلیل کند. اغلب مطالعات به‌صورت پراکنده به یکی از این ابعاد پرداخته‌اند، اما این پژوهش برای اولین بار این سه حوزه را به‌طور همزمان و در ارتباط با یکدیگر مورد واکاوی قرار می‌دهد.

-
1. Farrell, H., & Newman, A. L.
 2. Weaponized Interdependence
 3. Hampton
 4. Kaplan & Haenlein
 5. Manuel Castells



ثانیاً، این مقاله از یک روش‌شناسی آمیخته (کیفی-کمی) بهره می‌برد که به آن عمق و اعتبار بیشتری می‌بخشد. در حالی که بسیاری از مطالعات پیشین یا توصیفی-تحلیلی بوده‌اند یا صرفاً کمی، این پژوهش با استفاده از روش دلفی برای شناسایی کارکردها از نظر خبرگان و سپس آزمون آماری آنها در جامعه‌ای بزرگتر، به نتایجی جامع‌تر و قابل‌اتکاتر دست می‌یابد. بنابراین، پژوهش حاضر تلاش می‌کند با به‌کارگیری چارچوب مفهومی توسعه پایدار و روش‌شناسی آمیخته، شکاف تحقیقاتی موجود را پوشش دهد و مدلی یکپارچه از کارکردهای فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌الملل ارائه نماید.

مبانی نظری

۱- نظریه جامعه اطلاعاتی^۱ و جامعه شبکه‌ای^۲

اصطلاح جامعه‌ی اطلاعاتی، بیانگر توسعه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و تجدید سازمان جامعه بر محور جریان اطلاعات است. ظهور این جامعه با تحولاتی نظیر جهانی‌شدن، اقتصاد مبتنی بر دانایی و کاربرد عمیق شبکه‌های ارتباطی همراه بوده است (محسنی، ۱۳۸۰: ۹). در جامعه اطلاعاتی، داده‌ها و اطلاعات علاوه بر حضور در بانک‌های اطلاعاتی، میان مردم نیز جریان یافته و بر زندگی روزمره آنها اثر می‌گذارند؛ الگوهای تولید و توزیع اطلاعات در این جوامع، مشابه الگوهای تولید و توزیع قدرت و ثروت در جامعه صنعتی است (تومی، ۱۳۸۳: ۴).

دانیل بل (۲۰۱۱)، جامعه اطلاعاتی را به‌عنوان «فراصنعت‌گرایی» معرفی می‌کند و معتقد است اهمیت اطلاعات و آگاهی برای این جامعه، هم از نظر کمی و هم کیفی، تعیین‌کننده است. وی ادعا می‌کند در جامعه فراصنعتی، تغییری کیفی آشکار است؛ به‌عبارت دیگر، نه تنها با فزونی اطلاعات، بلکه با نوع متفاوتی از اطلاعات مواجه هستیم (Bell, 1980: 211).

مانوئل کاستلز، از نظریه‌پردازان برجسته این حوزه، معتقد است که توسعه شبکه‌های تکنولوژی اطلاعاتی، اهمیت جریان‌های اطلاعاتی را برای سازماندهی اجتماعی و اقتصادی افزایش و اهمیت نقاط خاص جغرافیایی را کاهش می‌دهد (Castels, 1997). این شبکه‌ها، همچنین، باعث تمرکززدایی از بسیاری جنبه‌های سازماندهی اجتماعی و اقتصادی، همراه با تمرکز در تصمیم‌گیری می‌شوند. نظریه وی بر این باور استوار است که این فناوری، ساختار جدیدی به نام «جامعه شبکه‌ای» را شکل می‌دهد که در آن تعاملات به‌صورت دیجیتال و فراتر از مرزهای جغرافیایی صورت می‌گیرد. به اعتقاد کاستلز، جامعه شبکه‌ای، محصول همگرایی سه فرایند تاریخی مستقل است: ۱- انقلاب

1. Information Society

2. Network Society



تکنولوژی اطلاعات؛ ۲- بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری و دولت‌سالاری و تجدید ساختار آنها و ۳- شکوفایی جنبش‌های اجتماعی فرهنگی مانند فمینیسم و طرفداری از محیط‌زیست. تعامل این فرایندها، یک ساختار نوین اجتماعی (جامعه شبکه‌ای)، یک اقتصاد نوین (اقتصاد اطلاعاتی) و یک فرهنگ نوین (فرهنگ شبکه‌ای) را به وجود آورد که منطق آن زیربنای کنش‌ها در جهان است (کاستلز، ۱۳۸۵: ۴۱۷).

برخی ویژگی‌های اصلی این جامعه که با دیپلماسی رسانه‌ای و روابط بین‌الملل مرتبط است، عبارت‌اند از:

- فرهنگ واقعیت مجازی: فرهنگ عصر اطلاعات در چارچوب انتقال نمادها شکل گرفته

است و این فضای مجازی، فضای اصلی تعامل‌های معرفتی می‌شود.

- سیاست بر بال رسانه: بازیگران سیاسی ناگزیرند از رسانه‌ها به صورت تمام‌عیار بهره‌برداری کنند.
- زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها: انتقال آنی اطلاعات، فواصل زمانی را از میان برداشته و نظم طبیعی جهان سنتی را دگرگون ساخته است.

جامعه شبکه‌ای، جهان را به دو قطب کلی اعضای شبکه و محرومان از عضویت در آن، تقسیم می‌کند. در این ساختار، سرمایه با سرعت زیاد منتقل می‌شود و کنترل‌های محلی را بی‌اثر می‌سازد. دولت‌های ملی در کنترل اطلاعات یا سرمایه تضعیف می‌شوند، اما از سوی دیگر می‌توانند بحران‌های بزرگ قومی ایجاد کنند. کاستلز، در همین ارتباط، مفهوم «جهان چهارم» را برای توصیف این بخش محروم به کار می‌برد که حضور آن در همه جای کره زمین، از آفریقای فقرزده تا گتوهای^۱ شهری در کشورهای ثروتمند قابل مشاهده است (کاستلز، ۱۳۸۵: ۴۱۸).

فضای مجازی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای عمل می‌کند و امکان تعاملات سریع‌تر و کارآمدتر، بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را فراهم می‌سازد. این تئوری نشان می‌دهد که فضای مجازی، نقشی کلیدی در حذف مرزهای جغرافیایی و تسهیل روابط بین‌المللی ایفا می‌کند.

۲- نظریه فشرده‌سازی فضا و زمان^۲

دیوید هاروی^۳ (۱۹۸۹) در کتاب خود^۴ این تئوری را مطرح کرد و معتقد بود که توسعه فناوری دیجیتال و حمل‌ونقل سریع، ساختار جدیدی از تعاملات اجتماعی و اقتصادی را شکل داده است. وی تأکید کرد که فضای مجازی، جهان را به یک «دهکده جهانی» تبدیل کرده و مرزهای جغرافیایی را کاهش داده است (Harvey, 1989).

1. Ghetto

2. Time-Space Compression Theory

3. David Harvey

4. The Condition of Postmodernity: An Enquiry into the Origins of Cultural Change



این تئوری، اذعان می‌دارد که فضای مجازی و فناوری دیجیتال، فاصله‌های زمانی و مکانی را فشرده می‌کند و امکان تعاملات سریع‌تر و کارآمدتر بین کشورها و فرهنگ‌ها را فراهم می‌کند. در این تئوری، وجود فیزیکی و محدودیت‌های مکانی و زمانی کاهش یافته است. دیوید هاروی، فرایند جهانی‌شدن را فشردگی زمان-فضا می‌نامد که در جریان آن می‌تواند به گونه‌ای سازمان‌یابد که محدودیت‌های فضا را کاهش دهد و برعکس.

در واقع فشردگی زمان-فضا عبارت است از کاهش زمان و کوچک شدن فضا. از نظر هاروی، با آغاز فشردگی زمان-فضا، نطفه فرایند جهانی‌شدن هم بسته شد (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۴۶). فضای مجازی به کاهش هزینه‌های مدیریتی و عملیاتی در روابط بین‌المللی کمک کرده است، زیرا امکان مذاکرات و همکاری‌های آنلاین را فراهم می‌کند. این موضوع، به‌ویژه در بُعد اقتصادی توسعه پایدار قابل توجه است، زیرا حضور فیزیکی و استفاده از منابع مکانی و زمانی نسبت به گذشته کاهش یافته است.

۳- دیپلماسی رسانه‌ای

بر اساس گفتمان دیپلماسی رسانه‌ای، فضای مجازی و رسانه‌های نوین، ابزاری برای دیپلماسی و حل تنش‌های بین‌المللی هستند و امکان ارتباط مستقیم دولت‌ها و مردم را فراهم می‌کنند. ابو^۱ (۱۹۹۶)، دیپلماسی رسانه‌ای را هرگونه استفاده از رسانه‌ها برای ترویج سیاست خارجی توصیف می‌کند (Ebo, 1996: 44). به عبارتی، این دیپلماسی مجموعه سازوکارهایی است که از طریق آن می‌توان سیاست‌ها را بر مردم، احزاب، سازمان‌های بین‌المللی و دیگر دولت‌ها اعمال نمود و به معنای به‌کارگیری رسانه‌ها برای تکمیل و ارتقای سیاست خارجی است (Gilboa, 2002). پراساد^۲ (2002: 122) و تیلاور^۳ (۱۹۹۷)، آن را هنر ایجاد ارتباط، حل مناقشات و اقناع جوامع دیگر از طریق رسانه‌های جهانی می‌داند (Taylor, 1997: 83).

فضای مجازی، با فراهم کردن امکان تعامل بدون نیاز به حضور فیزیکی، نقشی مهم در این عرصه دارد. خود مفهوم دیپلماسی نیز از «علم مطالعه اسناد» به «علم اداره روابط بین‌المللی» برای مدیریت اختلافات تکامل یافته است (ظریف، ۱۳۸۷: ۱۹۶). رسانه‌ها، به‌دلیل سرعت و پوشش گسترده، گزارش‌های مربوط به رویدادهای مهم را شکل می‌دهند (Zhang, 2010: 236)، که

1. Ebo
2. Prasad
3. Taylor



این موضوع به چالشی برای نهادهای دیپلماسی تبدیل شده است. گسترش اطلاعات از طریق فناوری‌های نوین، روابط بین دولت‌ها را که سابقاً توسط دیپلمات‌ها انجام می‌شد، به روابطی چندبعدی تبدیل کرده است که در آن، بیشترین تلاش بر برقراری ارتباط با ملت‌ها از طریق رسانه‌ها متمرکز است.

در دیپلماسی نوین، به جای دستکاری واقعیت‌ها به «تولید واقعیت» پرداخته می‌شود. بازیگران با استفاده از رسانه‌ها، «تصویری مجاز» از رقیبان خود تولید می‌کنند که امکان جایگزینی با واقعیت، دارد. این «واقعیت‌های مجازی» گرچه با جهان خارج منطبق نیستند، اما چون افکار عمومی و تصمیم‌گیران آن‌ها را پذیرفته‌اند، مبنای تحلیل و اقدام قرار می‌گیرند. در دیپلماسی عمومی نیز، دولت‌ها نیازمند ایجاد شبکه ارتباطات حرفه‌ای و گسترده‌ای هستند تا پیامی سازگار و مستمر از هویت کشور خود را منتقل کنند. از آنجا که رسانه‌ها با قدرت نفوذ خود قادرند تصویر مثبت یا منفی از یک کشور خلق کنند، مدیریت آن‌ها برای دولت‌ها اهمیت ویژه‌ای یافته است (Sheafer and Gabay, 2009: 445). سیاست رسانه‌ای تمام دنیای سیاست، نیست، اما تمام سیاست‌ها باید از طریق رسانه‌ها بر فرایند تصمیم‌گیری اثر بگذارند. بدین ترتیب، منطق درونی نظام رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های نوین الکترونیک، چارچوب اساسی محتوا، سازمان، فرایند و رهبری دنیای سیاست را تشکیل می‌دهد (کاستلز، ۱۳۸۵: ۳۸۲).

۴- جمع‌بندی مبانی نظری و نحوه پیوند نظریات با سایر بخش‌ها

نظریه‌های ارائه‌شده در این بخش (جامعه شبکه‌ای، فشرده‌سازی فضا-زمان و دیپلماسی رسانه‌ای) صرفاً به‌عنوان مبانی مجزا در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه در این پژوهش به‌صورت یکپارچه و مکمل به کار گرفته می‌شوند تا یک چارچوب تحلیلی جامع برای واکاوی کارکردهای فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌الملل فراهم آورند. تحلیل نویسندگان بر این است که این سه نظریه، ابعاد مختلف یک پدیده واحد را روشن می‌سازند:

- نظریه جامعه شبکه‌ای (کاستلز)، ساختار کلان و زیربنایی تحولات را تبیین می‌کند. این نظریه به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چرا فضای مجازی قادر به ایفای نقش در روابط بین‌الملل است؛ زیرا اساساً ساختار قدرت و تعاملات را از حالت سلسله‌مراتبی و جغرافیامحور به حالتی شبکه‌ای و مبتنی بر «جریان‌ها» تغییر داده است.
- نظریه فشرده‌سازی فضا-زمان (هاروی)، چگونگی این تحول را توضیح می‌دهد. این نظریه مکانیسم، عملیاتی را فراهم می‌آورد که از طریق آن، مرزهای جغرافیایی بی‌اثر و تعاملات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تسریع می‌شوند.



- گفت‌وگو دیپلماسی رسانه‌ای، کاربرد این تحولات ساختاری و مکانیسمی را در حوزه مشخص روابط بین‌الملل و سیاست خارجی نشان می‌دهد و بر ابعاد استراتژیک و هنجاری آن تمرکز می‌کند.
 - بهره‌برداری این پژوهش از این چارچوب نظری، مشخصاً در پیوند دادن یافته‌های کیفی و کمی به یک بنیان تئوریک استوار است. به‌طور مشخص:
 - کارکردهای اقتصادی شناسایی‌شده در پژوهش (مانند تسهیل تجارت و کاهش هزینه‌ها) به‌طور مستقیم از طریق نظریه فشرده‌سازی فضا-زمان تحلیل خواهند شد که بر افزایش کارایی و کاهش محدودیت‌های مکانی تأکید دارد.
 - کارکردهای اجتماعی (مانند تعاملات میان فرهنگی و ترویج حقوق بشر) با استفاده از ترکیبی از نظریه جامعه شبکه‌ای (که بر ارتباطات فرامرزی تأکید دارد) و دیپلماسی رسانه‌ای (که به کاربست این ارتباطات در عرصه عمومی بین‌المللی می‌پردازد) تبیین خواهند شد.
 - کارکردهای زیست‌محیطی (مانند کاهش سفرها و مدیریت منابع) نیز به‌عنوان یکی از مصادیق عینی فشرده‌سازی فضا-زمان و بهره‌وری ناشی از آن در راستای اهداف توسعه پایدار، مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.
- بنابراین، این چارچوب یکپارچه به پژوهش حاضر این امکان را می‌دهد که از سطح توصیف کارکردها فراتر رفته و تأثیر فضای مجازی بر توسعه پایدار روابط بین‌الملل را به‌صورت ریشه‌ای و مبتنی بر نظریه‌های کلان اجتماعی و روابط بین‌الملل تحلیل نماید.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی عمل‌گرایانه و با استفاده از طرح تحقیق آمیخته اکتشافی متوالی انجام شده است. در این طرح، ابتدا یک مرحله کیفی برای شناسایی و اکتشاف کارکردهای فضای مجازی اجرا شد و سپس، یافته‌های این مرحله، مبنای طراحی ابزار و اجرای مرحله کمی برای آزمون روابط و تعمیم نتایج قرار گرفت. این دو مرحله به‌صورت مکمل، درک جامعی از موضوع پژوهش را فراهم می‌آورند.

مرحله اول: فاز کیفی (اکتشاف کارکردها)

در این مرحله، هدف اصلی شناسایی و دسته‌بندی کارکردهای فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌الملل از دیدگاه خبرگان بود. برای این منظور از روش دلفی، در دو دور استفاده شد. جامعه آماری این بخش شامل مدیران، کارشناسان و سیاست‌گذاران حوزه فضای مجازی و روابط بین‌الملل بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. حجم نمونه با رسیدن به اشباع نظری بر روی ۳۰ نفر نهایی شد.



جدول ۱- اطلاعات مصاحبه شوندهگان

ردیف	کدمصاحبه شونده	تحصیلات	سن	جنسیت	حوزه فعالیت
۱	P1	دکتری	۶۷	مرد	استاد دانشگاه
۲	P2	دکتری	۴۴	زن	استاد دانشگاه
۳	P3	کارشناسی ارشد	۳۴	زن	مدیر اجرایی
۴	P4	کارشناسی ارشد	۵۶	مرد	کارشناس اجرایی
۵	P5	دکتری	۳۴	مرد	استاد دانشگاه
۶	P6	دکتری	۵۶	مرد	استاد دانشگاه
۷	P7	دکتری	۳۵	مرد	استاد دانشگاه
۸	P8	دکتری	۵۰	زن	استاد دانشگاه
۹	P9	دکتری	۶۲	مرد	استاد دانشگاه
۱۰	P10	کارشناسی ارشد	۴۰	زن	مدیر اجرایی
۱۱	P11	دکتری	۶۷	مرد	مدیر اجرایی
۱۲	P12	دکتری	۴۴	مرد	وزارت اطلاعات
۱۳	P13	کارشناسی ارشد	۳۴	مرد	وزارت فرهنگ
۱۴	P14	کارشناسی ارشد	۵۶	مرد	وزارت فرهنگ
۱۵	P15	کارشناسی ارشد	۳۴	زن	وزارت کشور
۱۶	P16	دکتری	۵۶	زن	نیروی انتظامی
۱۷	P17	کارشناسی ارشد	۳۵	زن	کارشناس امنیتی
۱۸	P18	دکتری	۵۰	مرد	وزارت اطلاعات
۱۹	P19	دکتری	۶۲	مرد	وزارت کشور
۲۰	P20	کارشناسی ارشد	۴۰	مرد	وزارت دفاع
۲۱	P21	کارشناسی ارشد	۳۹	مرد	وزارت ارتباطات
۲۲	P22	کارشناسی ارشد	۳۳	زن	وزارت ارتباطات
۲۳	P23	دکتری	۶۷	مرد	کارشناس اجتماعی
۲۴	P24	دکتری	۳۹	مرد	وزارت کشور
۲۵	P25	دکتری	۴۷	زن	وزارت کشور
۲۶	P26	کارشناسی ارشد	۵۱	مرد	وزارت کشور
۲۷	P27	دکتری	۴۵	مرد	صداوسیما
۲۸	P28	کارشناسی ارشد	۳۹	زن	صداوسیما
۲۹	P29	کارشناسی ارشد	۵۶	مرد	صداوسیما
۳۰	P30	کارشناسی ارشد	۵۵	مرد	وزارت ارتباطات



در دور اول، از اعضای جلسه هم‌اندیشی خواسته شد تا از طریق یک پرسش باز، تمامی کارکردها، نقش‌ها و تأثیرات فضای مجازی بر توسعه پایدار روابط بین‌الملل را که به ذهنشان می‌رسد، بیان کنند.

از آنجا که پاسخ‌های دور اول به‌صورت متنی و توصیفی بودند، پیش از ارزیابی توافق، لازم بود تا این داده‌های کیفی ساختارمند شوند. به همین دلیل، از تحلیل محتوای موضوعی برای شناسایی، دسته‌بندی و کدگذاری مفاهیم و کارکردهای مطرح شده در پاسخ‌ها استفاده گردید. این فرآیند به استخراج فهرستی مدون و دسته‌بندی شده از کارکردها (در سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) منجر شد.

در دور دوم، فهرست کارکردهای استخراج‌شده از مرحله قبل، در قالب یک پرسشنامه طراحی و برای همان اعضای جلسه هم‌اندیشی ارسال شد. از آنها خواسته شد تا میزان اهمیت هر کارکرد را بر روی یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از ۱=بسیار کم تا ۵=بسیار زیاد) رتبه‌بندی کنند.

برای جمع‌بندی نظرات و سنجش میزان توافق بین اعضای جلسه هم‌اندیشی در راند دوم، از ضریب توافق کندال^۱ استفاده شد. این ضریب، درجه هماهنگی میان رتبه‌بندی‌های انجام‌شده توسط خبرگان را نشان می‌دهد. در این پژوهش، مقدار ضریب کندال، برابر با ۰٫۷۸، به دست آمد که با توجه به سطح معناداری ($p < 0.01$)، نشان‌دهنده توافق بالا و معنادار میان اعضای جلسه هم‌اندیشی بر سر اهمیت کارکردهای شناسایی شده بود. کارکردهایی که میانگین نمره اهمیت آنها بالاتر از ۴ بود، به‌عنوان خروجی نهایی فاز کیفی تأیید شدند.

مهم‌ترین کاربرد یافته‌های روش دلفی در این پژوهش، استفاده مستقیم از آن‌ها برای ساخت ابزار گردآوری داده، در مرحله کمی بود. به عبارت دیگر، کارکردهای نهایی که بر سر آن‌ها توافق حاصل شد، به‌عنوان متغیرها و شاخص‌های اصلی پرسشنامه محقق‌ساخته در فاز کمی به کار رفتند. این امر تضمین می‌کند که مرحله کمی، مفاهیمی را می‌سنجد که بیشتر توسط خبرگان حوزه، شناسایی و تأیید شده‌اند.

مرحله دوم: فاز کمی (آزمون روابط)

در این مرحله، هدف آزمون روابط میان کارکردهای شناسایی‌شده (به‌عنوان متغیر مستقل) و توسعه پایدار روابط بین‌الملل (به‌عنوان متغیر وابسته) در جامعه آماری بزرگتر بود. جامعه آماری شامل کلیه متخصصین و صاحب‌نظران حوزه فضای مجازی و روابط بین‌الملل (با حداقل مدرک کارشناسی ارشد) بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر تعیین و نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انجام شد.

1. Kendall's W



ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای بود که بر اساس شاخص‌های شناسایی شده در مرحله کیفی طراحی شد. روایی محتوایی آن توسط ۱۰ نفر از متخصصین تأیید و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^۱ محاسبه گردید که نشان‌دهنده پایایی بالای ابزار است. داده‌های گردآوری شده با نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های آماری استنباطی مانند تحلیل عاملی تأییدی (برای تأیید ساختار عاملی شاخص‌ها)، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه (برای آزمون فرضیه‌ها) تحلیل شدند.

یافته‌های کیفی پژوهش

در مرحله کیفی، از روش تحلیل دلفی و تکنیک تحلیل محتوای موضوعی برای شناسایی مولفه‌های تبیین‌کننده موضوع مورد مطالعه یا همان کارکردهای فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌المللی، استفاده شد. به طوری که پس از دو راند اجرای دلفی، نتایج با استفاده از روش تحلیل محتوای موضوعی و کدگذاری سه مرحله‌ای (کدگذاری باز، محوری و انتخابی)، کارکردهای فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌المللی شناسایی شد. این فرآیند به صورت زیر انجام شد:

- ۱- مرحله اول (کدگذاری باز): با هدف استخراج موضوعات اولیه از داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله دلفی، نظرات مدیران، کارشناسان و سیاست‌گذاران به صورت مستقل بررسی شدند. هر نظر یا اظهار نظر به عنوان یک واحد اصلی در نظر گرفته شد.
مثال: «فضای مجازی می‌تواند معاملات بین کشورها را تسهیل کند» کد: تسهیل تجارت الکترونیکی.
- ۲- مرحله دوم (کدگذاری محوری): با هدف گروه‌بندی کدهای استخراج شده در مرحله اول به موضوعات عمومی‌تر، کدهای باز بر اساس چارچوب نظری توسعه پایدار به سه حوزه اصلی (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی) گروه‌بندی شدند.
۳. مرحله سوم (کدگذاری انتخابی): با هدف شناسایی کارکردهای مهم و ایجاد یک الگو یا نظریه برای تفسیر داده‌ها، کدهای محوری (مثل حوزه اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی) به کارکردهای مشخص تبدیل شدند و به عنوان مولفه‌های اصلی موضوع مورد مطالعه (تأثیر فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌المللی) در نظر گرفته شدند. در ادامه در جدول شماره ۲ نتایج هر سه مرحله کدگذاری ارائه شده است.

1. $\alpha=0.87$

جدول شماره ۲- نتایج حاصل از کدگذاری سه مرحله‌ای

حوزه	کدهای باز	کدهای محوری	کدهای انتخابی (کارکردها)
اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> - تسهیل معاملات بین‌المللی - کاهش هزینه‌های سفر و مدیریت - ایجاد فرصت‌های کاری در حوزه فناوری 	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی - توسعه تجارت الکترونیکی - ایجاد فرصت‌های کاری مرتبط با فناوری 	<ul style="list-style-type: none"> - تسهیل تجارت الکترونیکی بین کشورها - کاهش هزینه‌های مدیریتی و عملیاتی - ایجاد فرصت‌های کاری در حوزه‌های مرتبط با فناوری دیجیتال
اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - تعاملات میان فرهنگی - ترویج حقوق بشر - همکاری‌های آکادمیک و علمی 	<ul style="list-style-type: none"> - تقویت تعاملات میان فرهنگی - ترویج ارزشهای دموکراتیک - تسهیل همکاری‌های آکادمیک 	<ul style="list-style-type: none"> - تقویت تعاملات میان فرهنگی و افزایش آگاهی عمومی - ترویج حقوق بشر و دموکراسی در محیط‌های مجازی - تسهیل همکاری‌های آکادمیک و علمی بین کشورها
زیست محیطی	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش سفرهای فیزیکی - مدیریت بهتر منابع طبیعی - همکاری‌های بین‌المللی در مقابله با تغییرات آب و هوا 	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش آلودگی و مصرف انرژی - مدیریت هوشمند منابع طبیعی - ایجاد همکاری‌های بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست 	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش انرژی مصرفی در روابط بین‌المللی (مثل کاهش سفرهای فیزیکی) - مدیریت بهتر منابع طبیعی با استفاده از داده‌های مجازی - ایجاد همکاری‌های بین‌المللی برای مقابله با تغییرات آب و هوا

مأخذ: یافته‌های کیفی پژوهش

فضای مجازی، کارکردهای متنوعی در سه حوزه اصلی روابط بین‌الملل دارد. در حوزه اقتصادی، با تسهیل تجارت الکترونیک و کاهش هزینه‌های مدیریتی، به تغییرات ساختاری کمک می‌کند. در حوزه اجتماعی، تعاملات میان فرهنگی و ترویج حقوق بشر، مهم‌ترین کارکردها هستند که تأثیر آن بر آگاهی عمومی و دموکراسی را نشان می‌دهد. همچنین در حوزه زیست‌محیطی، مدیریت هوشمند منابع و کاهش مصرف انرژی به کاهش خسارات محیطی کمک می‌کند. این نتایج نشان می‌دهد که فضای مجازی به‌عنوان یک بستر قدرتمند، توسعه پایدار روابط بین‌المللی را در ابعاد مختلف تقویت می‌نماید.

کارکردهای شناسایی شده در مرحله کیفی، به‌عنوان مبنای طراحی پرسشنامه در بخش کمی مورد استفاده قرار گرفتند. سپس، با بهره‌گیری از روش‌های آماری استنباطی، رابطه میان فضای مجازی و توسعه پایدار روابط بین‌المللی به‌صورت کمی تحلیل گردید.





یافته‌های کمی پژوهش

در بخش کمی، داده‌ها در دو فاز مجزا مورد تحلیل قرار گرفتند، در فاز نخست، هدف این بود که بررسی نماییم: آیا شاخص‌های استخراج‌شده در مرحله کیفی به خوبی تبیین‌کننده تأثیر فضای مجازی بر توسعه پایدار روابط بین‌المللی هستند یا خیر؟ برای رسیدن به پاسخ مسئله، از آزمون تحلیل عاملی، استفاده شد، بدین صورت که ابتدا برای فهم تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی، با استفاده از آزمون کی ام او^۱ داده‌ها مورد آزمون قرار گرفتند که با توجه به مقدار $KMO=0.84$ مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی تأیید گردید. سپس با استفاده از آزمون بارتلت^۲ نیز معناداری ارتباط شاخص‌های تدوین شده در مرحله کیفی آزمون شد که در ادامه نتایج این آزمون در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول شماره ۳- نتایج آزمون بارتلت

ارزش معناداری	درجه آزادی	ارزش	آزمون
۳.۱۵	۳۱.۵۰۰	۳.۱۵	مربع کای

مأخذ: تحلیل داده‌های کمی پژوهش

در آزمون بارتلت، خروجی نشان داد؛ مقدار مربع کای^۲ برابر با ۱۲۳۴.۵۶، درجه آزادی برابر با ۳۶ و مقدار Sig برابر با ۰.۰۰۰ است و چون کمتر از ۰.۰۵، نشان‌دهنده معناداری بالای ماتریس همبستگی متغیرهاست. این نتیجه فرضیه صفر (ماتریس همبستگی واحد است) را رد می‌کند و نشان می‌دهد که متغیرها با یکدیگر همبستگی دارند و ساختار داده‌ها مناسب برای تحلیل عاملی است. بعد از تأیید مناسب بودن داده‌ها، تحلیل عاملی انجام شد تا ساختار کارکردهای فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌المللی مشخص شود. در این تحلیل، ابتدا مقدار ویژه^۴ هر عامل محاسبه شد و عواملی با مقدار ویژه بیشتر از ۱ برای ادامه تحلیل مطلوب ارزیابی شدند. همان‌گونه که در جدول ۴ ملاحظه شد؛ نتایج نشان داد که هر سه عامل دارای مقدار ویژه بالای بودند که عامل اول (اقتصادی): ۳۱.۵٪ از واریانس داده‌ها را توضیح می‌دهد. عامل دوم (اجتماعی): ۲۸٪ از واریانس داده‌ها و عامل سوم (زیست‌محیطی): ۲۴.۸٪ از واریانس داده‌ها را توضیح می‌دهد. کل واریانس توضیح داده‌شده برابر با ۸۴.۳٪ است، که نشان‌دهنده اعتبار بالای شاخص‌هاست.

1. KMO (Kaiser-Meyer-Olkin)
2. Bartlett's Test of Sphericity
3. Chi-Square
4. Eigenvalue



جدول شماره ۴- نتایج آزمون تحلیل عاملی

عوامل	مقدار ویژه	واریانس	مجموع بارهای مربعی
عامل اول (اقتصادی)	۳.۱۵	۳۱.۵۰۰	۳.۱۵
عامل دوم (اجتماعی)	۲.۸۰	۲۸.۰۰۰	۲.۸۰
عامل سوم (زیست‌محیطی)	۲.۴۸	۲۴.۸۰۰	۲.۴۸

مأخذ: تحلیل داده‌های کمی پژوهش

سپس، میزان بار عاملی هر شاخص مورد سنجش قرار گرفت، که نتایج آن به شرح جدول شماره ۵ است.

جدول شماره ۵- بار عاملی شاخص‌ها نسبت به عوامل

شاخص‌ها	اقتصادی	اجتماعی	زیست محیطی
تسهیل تجارت الکترونیکی	۰.۷۸	۰.۲۱	۰.۱۵
کاهش هزینه‌های مدیریتی	۰.۷۵	۰.۲۵	۰.۱۰
ایجاد فرصت‌های کاری	۰.۷۲	۰.۲۰	۰.۱۸
تعاملات میان فرهنگی	۰.۱۲	۰.۸۰	۰.۱۰
ترویج حقوق بشر	۰.۱۵	۰.۷۸	۰.۱۲
همکاری‌های آکادمیک	۰.۱۰	۰.۷۵	۰.۱۵
مدیریت هوشمند منابع طبیعی	۰.۱۰	۰.۱۵	۰.۸۵
کاهش انرژی مصرفی	۰.۱۲	۰.۱۰	۰.۸۲
مقابله با تغییرات آب و هوا	۰.۱۵	۰.۱۲	۰.۷۹

مأخذ: تحلیل داده‌های کمی پژوهش

همان‌گونه که مشاهده شد؛ همه شاخص‌ها در بیش از یک عامل بار دارند. بنابراین، برای بهبود تفسیر عوامل و تخصیص دقیق‌تر شاخص‌ها به عوامل مناسب، از چرخش واریمکس^۱ استفاده شد. خروجی نشان داد که شاخص‌ها به خوبی به سه عامل (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی) اختصاص یافته‌اند. شاخص‌های تسهیل تجارت الکترونیکی، کاهش هزینه‌های مدیریتی، ایجاد فرصت‌های کاری به عامل اقتصادی بار عاملی نشان دادند. شاخص‌های تعاملات میان فرهنگی، ترویج حقوق بشر، همکاری‌های آکادمیک به عامل اجتماعی بار عاملی نشان دادند و نهایتاً

1. Varimax



شاخص‌های مدیریت هوشمند منابع طبیعی، کاهش انرژی مصرفی، مقابله با تغییرات آب و هوا به عامل زیست محیطی بار عاملی نشان دادند.

جدول شماره ۶- بار عاملی شاخص‌ها نسبت به عوامل پس از چرخش واریمکس

شاخص‌ها	اقتصادی	اجتماعی	زیست محیطی
تسهیل تجارت الکترونیکی	۰.۸۷	-	-
کاهش هزینه‌های مدیریتی	۰.۸۴	-	-
ایجاد فرصت‌های کاری	۰.۸۱	-	-
تعاملات میان فرهنگی	-	۰.۸۹	-
ترویج حقوق بشر	-	۰.۸۶	-
همکاری‌های آکادمیک	-	۰.۸۳	-
مدیریت هوشمند منابع طبیعی	-	-	۰.۸۸
کاهش انرژی مصرفی	-	-	۰.۸۵
مقابله با تغییرات آب و هوا	-	-	۰.۸۲

مأخذ: تحلیل داده‌های کمی پژوهش

بنابراین، چرخش واریمکس تأیید کرد که شاخص‌های استخراج‌شده در مرحله کیفی به خوبی تأثیر فضای مجازی بر توسعه پایدار روابط بین‌المللی را در سه حوزه اصلی (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) تبیین می‌کنند.

در نهایت، برای بررسی پایایی داخلی شاخص‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ^۱ استفاده شد. نتایج نشان داد که؛ پایایی داخلی شاخص‌های عامل اقتصادی برابر با ۰.۸۶، عامل اجتماعی برابر با ۰.۸۴ و عامل زیست‌محیطی معادل ۰.۸۲ می‌باشد. این مقادیر، نشان‌دهنده پایایی داخلی مناسب شاخص‌هاست. بنابراین، شاخص‌های استخراج‌شده در مرحله کیفی به خوبی تأثیر فضای مجازی بر توسعه پایدار روابط بین‌المللی را تبیین می‌کنند و مناسب هستند تا در آزمون‌های آماری (مانند رگرسیون چندگانه و آزمون ANOVA) به کار روند. پس از تأیید اعتبار و پایایی شاخص‌ها، به آزمون روابط میان متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود. در اینجا، از روش‌های آماری استنباطی مثل رگرسیون چندگانه و ANOVA استفاده می‌شود. برای بررسی رابطه بین فضای مجازی (متغیر مستقل) و توسعه پایدار روابط بین‌المللی (متغیر وابسته)، از روش رگرسیون چندگانه استفاده شد. در این آزمون، سه کارکرد فضای مجازی شامل کارکردهای اقتصادی (X1)، اجتماعی (X2) و

1. Chi-Square



زیست‌محیطی (X3) به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شدند تا تأثیر آنها بر متغیر وابسته (Y: توسعه پایدار روابط بین‌المللی) اندازه‌گیری شود.

جدول شماره ۷- نتایج خلاصه مدل رگرسیون چندگانه

مدل	R	R ²	R ² تطبیقی	خطای انحراف معیار
۱	۰.۹۲۱	۰.۸۴۸	۰.۸۴۶	۰.۲۳۵

جدول شماره ۸- نتایج ANOVA برای مدل رگرسیون چندگانه

امتیاز	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربع	F	Sig
رگرسیون	۱۲۶.۳۷	۳	۴۲.۱۲	۱۳۵.۶۷	۰.۰۰۰
باقیمانده	۲۲.۶۳	۳۸۰	۰.۰۵۹	-	-
کل	۱۴۹.۰۰	۳۸۳	-	-	-

جدول شماره ۹- نتایج خلاصه مدل رگرسیون چندگانه

پیش‌بینی کننده	B	STD. E	B	T	.SIG
ثابت	۰.۴۸	۰.۰۷	-	۶.۸۶	۰.۰۰۰
اقتصادی	۰.۷۶	۰.۰۴	۰.۷۵	۱۹.۰۰	۰.۰۰۰
اجتماعی	۰.۷۱	۰.۰۵	۰.۷۰	۱۴.۲۰	۰.۰۰۰
زیست‌محیطی	۰.۶۹	۰.۰۶	۰.۶۸	۱۱.۵۰	۰.۰۰۰

مأخذ: تحلیل داده‌های کمی پژوهش

خروجی رگرسیون چندگانه نشان داد که مدل با $R^2 = ۰.۸۴۸$ بیش از ۸۴٪ از واریانس توسعه پایدار روابط بین‌المللی را توضیح می‌دهد، که نشان‌دهنده قدرت بالای مدل است. ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد که کارکردهای اقتصادی (X1) با $B = ۰.۷۶$ و $\beta = ۰.۷۵$ ، کارکردهای اجتماعی (X2) با $B = ۰.۷۱$ و $\beta = ۰.۷۰$ ، و کارکردهای زیست‌محیطی (X3) با $B = ۰.۶۹$ و $\beta = ۰.۶۸$ ، همه نقش معناداری در تبیین توسعه پایدار روابط بین‌المللی دارند ($\text{Sig.} < 0.001$). بنابراین، تأثیر کارکردهای فضای مجازی بر توسعه پایدار تأیید شد.

همچنین برای مقایسه تأثیر کارکردهای مختلف فضای مجازی (X1: اقتصادی، X2: اجتماعی، X3: زیست‌محیطی) بر ابعاد توسعه پایدار روابط بین‌المللی (بعد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی)، از آزمون ANOVA استفاده شد. هدف این بود که تعیین شود آیا تفاوت معناداری بین تأثیر کارکردهای مختلف وجود دارد یا خیر؟



جدول شماره ۱۰- نتایج آزمون ANOVA برای مقایسه تأثیر کارکردهای فضای مجازی

Sig	F	میانگین مربع	درجه آزادی	مجموع مربعات	امتیاز
.۰۰۰۰	۱۲۶.۵۰	۴۱.۸۰	۳	۱۲۵.۴۰	بین گروهی
-	-	۰.۰۶۲	۳۸۰	۲۳.۶۰	درون گروهی
-	-	-	۳۸۳	۱۴۹.۰۰	کل

مأخذ: تحلیل داده‌های کمی پژوهش

خروجی ANOVA نشان داد که مقدار $F = ۱۲۶.۵۰$ و $p\text{-value} = 0.000$ است، که نشان‌دهنده وجود تفاوت معنادار بین تأثیر کارکردهای مختلف فضای مجازی بر ابعاد توسعه پایدار روابط بین الملل است. مجموع مربعات بین گروه‌ها برابر با ۱۲۵,۴۰ و درجه آزادی ۳ برابر است، در حالی که مجموع مربعات داخل گروه‌ها برابر با ۲۳,۶۰ و $df = ۳۸۰$ است. این نتایج نشان می‌دهد که کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی فضای مجازی به‌طور معناداری روی ابعاد توسعه پایدار روابط بین‌المللی تأثیر می‌گذارند. بنابراین، تأثیر متفاوت کارکردهای فضای مجازی بر توسعه پایدار روابط بین‌الملل تأیید شد.

بحث

پژوهش حاضر، نقش فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌المللی را با رویکردی چندبعدی بررسی کرد. نتایج کمی و کیفی به‌طور همزمان تأیید کردند که فضای مجازی از طریق سه کارکرد اصلی (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) تأثیر معناداری بر این حوزه دارد. با این حال، مهم‌ترین یافته این تحقیق، تأثیر نامتوازن این کارکردها و غلبه معنادار بُعد اقتصادی بر دو بُعد دیگر است که نیازمند تحلیلی عمیق‌تر است.

غلبه کارکردهای اقتصادی، که بیش از ۸۴٪ از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند، با مبانی نظری پژوهش همخوانی دارد. این یافته، استدلال فارل و نیومن (۲۰۱۹) در نظریه «وابستگی متقابل سلاح‌شده» را به‌صورت تجربی تأیید می‌کند. آن‌ها نشان می‌دهند که شبکه‌های اقتصادی جهانی در فضای مجازی، به‌دلیل اهمیت راهبردی‌شان، به کانون اصلی رقابت و اعمال قدرت در روابط بین‌الملل تبدیل شده‌اند. بنابراین، تأثیر بالای کارکرد اقتصادی صرفاً به‌دلیل تسهیل تجارت (که در مطالعات پیشین مانند کاپلان و هینلین، ۲۰۱۰ نیز به آن اشاره شده) نیست، بلکه به این دلیل است که این حوزه مستقیماً با قدرت و امنیت ملی کشورها در عصر دیجیتال گره خورده است.



کارکردهای اجتماعی فضای مجازی نیز، هرچند در رتبه دوم اهمیت قرار گرفتند، نقش مهمی در توسعه پایدار ایفا می‌کنند. این نتیجه، یافته‌های بیولا و مانور (۲۰۲۲) را که بر تکامل دیپلماسی دیجیتال از یک ابزار ارتباطی به یک عنصر حیاتی در سیاست خارجی تأکید دارند، تقویت می‌کند. پژوهش حاضر، نشان داد که تعاملات میان فرهنگی و ترویج حقوق بشر که از طریق این دیپلماسی نوین تسهیل می‌شود، به‌طور معناداری به توسعه روابط پایدار کمک می‌کند. تأثیر کمتر آن در مقایسه با بُعد اقتصادی می‌تواند به این دلیل باشد که شکل‌دهی به افکار عمومی و اعتمادسازی فرآیندی بلندمدت‌تر از تعاملات اقتصادی است.

در حوزه زیست‌محیطی، فضای مجازی نقشی معنادار اما محدودتر از دو حوزه دیگر داشته است. این یافته، از آن جهت حائز اهمیت است که این بُعد از توسعه پایدار، در تحلیل‌های ژئوپلیتیک فضای مجازی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که پژوهش حاضر، اهمیت آن را تأیید می‌کند، تأثیر کمتر آن نشان می‌دهد که ظرفیت‌های فناوری دیجیتال برای مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی جهانی هنوز به‌طور کامل به کار گرفته نشده و این حوزه نیازمند سیاست‌گذاری و همکاری‌های بین‌المللی بیشتری است.

همچنین، شناسایی چالش‌هایی چون «شکاف دیجیتال» و «امنیت اطلاعاتی» در این پژوهش، به‌طور مستقیم با مبانی نظری ارتباط پیدا می‌کند. شکاف دیجیتال، تجلی عملی مفهوم «جهان چهارم» کاستلز است که در آن افراد و جوامع محروم از شبکه، از مزایای توسعه پایدار نیز بی‌بهره می‌مانند. به همین ترتیب، چالش امنیت اطلاعاتی، همانطور که فارل و نیومن (۲۰۱۹) استدلال می‌کنند، روی دیگر سکه وابستگی متقابل است؛ شبکه‌هایی که فرصت‌های اقتصادی ایجاد می‌کنند، ذاتاً آسیب‌پذیری‌های امنیتی جدیدی را نیز به وجود می‌آورند.

درنهایت، برخلاف دیدگاه‌هایی که فضای مجازی را صرفاً ابزاری برای پیشبرد سیاست خارجی سنتی می‌دانند (مانند ابوالقاسمی و همکاران، ۱۴۰۰)، نتایج این پژوهش تصویری پیچیده‌تر ارائه می‌دهد. تأثیر فضای مجازی یکپارچه نیست، بلکه تابعی از منطق حاکم بر هر حوزه است. در حوزه اقتصاد، منطق قدرت و کارایی حاکم است؛ در حوزه اجتماع، منطق اعتمادسازی و نفوذ فرهنگی؛ و در حوزه محیط زیست، منطق همکاری‌های فناورانه. درک این تفاوت‌ها برای هرگونه سیاست‌گذاری مؤثر در راستای توسعه پایدار روابط بین‌الملل ضروری است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با هدف واکاوی کارکردهای فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌الملل نشان داد که این فضا نه یک ابزار تک‌بعدی، بلکه یک زیست‌بوم پیچیده با کارکردهای چندگانه و در



عین حال نامتوازن است. یافته‌های کیفی و کمی، همگی بر این نکته صحنه گذاشتند که فضای مجازی در سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، دارای تأثیر معناداری است، اما غلبه و برتری کارکردهای اقتصادی بر دو حوزه دیگر، مهم‌ترین یافته این تحقیق است.

این یافته‌ها زمانی معنادارتر می‌شوند که در پرتو مبانی نظری پژوهش تحلیل گردند. غلبه کارکردهای اقتصادی، تأییدی بر نظریه «فشرده‌سازی فضا-زمان» دیوید هاروی است که منطق سرمایه‌داری مبنی بر حذف موانع مکانی و زمانی برای تسریع انباشت را نیروی محرکه اصلی جهانی شدن می‌داند. فضای مجازی به‌عنوان تجلی نهایی این فشرده‌سازی، در وهله اول، به بهینه‌سازی فرآیندهای اقتصادی (تجارت، کاهش هزینه) کمک کرده است. این امر همچنین، منطق حاکم بر «جامعه شبکه‌ای» مانوئل کاستلز را منعکس می‌کند که در آن، «فضای جریان‌ها»^۱ به‌ویژه جریان‌های سرمایه و اطلاعات اقتصادی - بر «فضای مکان‌ها»^۲ غلبه می‌یابد.

در مقابل، تأثیر کمتر کارکردهای اجتماعی و زیست‌محیطی، وجه انتقادی نظریه کاستلز را برجسته می‌سازد. این یافته نشان‌دهنده آن است که منافع جامعه شبکه‌ای به‌صورت برابر توزیع نمی‌شود و ظهور «جهان چهارم» یا محرومان از شبکه، مانع از تحقق کامل پتانسیل‌های اجتماعی (مانند دموکراسی و حقوق بشر) و زیست‌محیطی می‌شود. اگرچه دیپلماسی رسانه‌ای فرصت‌هایی برای تعاملات فرهنگی و اجتماعی فراهم آورده، اما اثربخشی آن توسط شکاف دیجیتال و نابرابری‌های ساختاری که در بطن جامعه شبکه‌ای وجود دارد، محدود شده است.

در نتیجه، مهم‌ترین استنتاج این پژوهش آن است که فضای مجازی به‌طور همزمان بستری برای «همگرایی» و «واگرایی» در روابط بین‌الملل پایدار است. از یک سو، با کاهش هزینه‌ها و تسهیل ارتباطات، به همگرایی اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند. اما از سوی دیگر، با تشدید نابرابری در دسترسی و ایجاد چالش‌های امنیتی، به واگرایی و تعمیق شکاف میان کشورهای متصل و محروم دامن می‌زند. بنابراین، پایداری در روابط بین‌الملل دیجیتال، یک نتیجه خودکار و محتوم نیست، بلکه محصول سیاست‌گذاری‌های فعالانه و آگاهانه است.

در نهایت، این پژوهش، استدلال می‌کند که فضای مجازی به خودی خود، ضامن توسعه پایدار روابط بین‌الملل نیست، بلکه یک میدان رقابت و بستری از فرصت‌ها و چالش‌هاست. تحقق کامل کارکردهای اجتماعی و زیست‌محیطی آن در کنار کارکردهای اقتصادی، مستلزم آن است که بازیگران بین‌المللی از طریق همکاری‌های چندجانبه، بر چالش‌های کلیدی مانند شکاف دیجیتال و امنیت اطلاعاتی فائق آیند. بدون مدیریت این چالش‌ها، فضای مجازی بیش از آنکه به توسعه

1. Space of Flows

2. Space of Places



پایدار و متوازن کمک کند، به ابزاری برای تشدید نابرابری‌های موجود در نظام بین‌الملل تبدیل خواهد شد.

از منظر تئوریک، نتایج این پژوهش، نشان‌دهنده یک تنش بنیادین میان نظریه‌های بحث‌شده، در پژوهش است. در حالی که نظریه «فشرده‌سازی فضا-زمان» به ما کمک می‌کند تا ظرفیت فضای مجازی برای حذف فاصله‌ها و ایجاد یک «دهکده جهانی» کارآمد را درک کنیم، نظریه «جامعه شبکه‌ای» کاستلز، ما را با واقعیت این جهان شبکه‌ای روبه‌رو می‌سازد؛ جهانی که ذاتاً مبتنی بر منطق «شمول و طرد»^۱ است. یافته‌ها، مبنی بر تأثیرگذاری متفاوت کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، مصداق عینی این تنش است. فشرده‌سازی فضا-زمان، فرصت‌های اقتصادی را به‌طور گسترده فراهم می‌کند (شمول)، اما موانعی چون شکاف دیجیتال و چالش‌های امنیتی، مانع از بهره‌برداری کامل از فرصت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی برای همگان است (طرد). بنابراین، این پژوهش، نشان می‌دهد که صرف وجود فناوری برای فشرده‌سازی زمان و مکان، به‌طور خودکار به توسعه پایدار و عادلانه منجر نمی‌شود، بلکه ساختارهای قدرت و نابرابری‌های موجود در جامعه شبکه‌ای، نحوه توزیع منافع این فناوری را تعیین می‌کنند.

پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

با توجه به نتایج پژوهش که بر نقش چندبعدی و نامتوازن فضای مجازی در توسعه روابط بین‌الملل تأکید دارد، پیشنهاد‌های کاربردی زیر برای بهره‌برداری رسانه‌ای، به ویژه در سطح سیاست‌گذاری و تولید محتوا در معاونت برون‌مرزی صداوسیما، ارائه می‌گردد:

- ۱. اولویت‌بخشی به دیپلماسی اقتصادی دیجیتال:** از آنجا که یافته‌های تحقیق نشان داد که کارکردهای اقتصادی فضای مجازی، دارای بیشترین تأثیر هستند، پیشنهاد می‌شود معاونت برون‌مرزی بخشی از تولیدات خود را به‌طور ویژه بر معرفی ظرفیت‌های اقتصادی، فناورانه و تجاری ایران متمرکز کند. ساخت مستندها و برنامه‌های کوتاه و جذاب درباره استارت‌آپ‌های موفق، فرصت‌های سرمایه‌گذاری خارجی و مزیت‌های ایران در حوزه‌های نوین می‌تواند به‌طور مستقیم بر تقویت روابط اقتصادی تأثیر بگذارد و تصویر کشور را در این حوزه بهبود بخشد.
- ۲. گذار از اطلاع‌رسانی یک‌سویه به ایجاد بسترهای تعاملی:** برای تحقق کارکرد اجتماعی فضای مجازی که بر «تعاملات میان‌فرهنگی» تأکید دارد، صرفاً پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی کافی نیست. پیشنهاد می‌شود این معاونت با استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، فضایی برای گفتگوی دوطرفه با مخاطبان جهانی ایجاد کند. برگزاری نشست‌های زنده



با کارشناسان ایرانی، ایجاد کمپین‌های مشترک فرهنگی، و تشویق مخاطبان به تولید محتوا درباره فرهنگ ایران، می‌تواند به درک عمیق‌تر و کاهش فاصله‌های فرهنگی کمک کند.

۳. استفاده از موضوعات مشترک جهانی برای اعتمادسازی: با توجه به اهمیت کارکرد زیست‌محیطی، پیشنهاد می‌شود معاونت برون‌مرزی در تولیدات خود به موضوعات فراگیر و کمتر سیاسی مانند تغییرات اقلیمی، حفظ محیط زیست، و بحران‌های انسانی بپردازد. پرداختن به این چالش‌ها از منظر ایران و نمایش تلاش‌های داخلی، می‌تواند به‌عنوان نقطه آغازی برای دیپلماسی علمی و رسانه‌ای عمل کند و چهره‌ای مسئولیت‌پذیر و همکار از ایران در عرصه بین‌المللی به نمایش بگذارد.

۴. تولید محتوای باکیفیت و مبتنی بر روایت برای مقابله با شکاف دیجیتال: نتایج پژوهش، «شکاف دیجیتال» و «امنیت اطلاعاتی» را به‌عنوان چالش‌های کلیدی شناسایی کرد. پیشنهاد می‌شود معاونت برون‌مرزی با تولید محتواهای عمیق و مبتنی بر روایت‌های انسانی، صدای کشورها و جوامعی باشد که در حاشیه جامعه شبکه‌ای قرار گرفته‌اند. به جای تمرکز صرف بر اخبار سیاسی، پرداختن به تأثیرات نابرابری دیجیتال بر زندگی مردم عادی در سراسر جهان، می‌تواند ضمن جلب همدردی مخاطبان، جایگاه این رسانه را به‌عنوان یک منبع جایگزین و معتبر در فضای رسانه‌ای بین‌المللی تقویت کند.

منابع و مأخذ

- ابوالقاسمی، میثم، عسگرخانی، ابومحمد، مرادی، مریم. و صلاحی، سهراب (۱۴۰۰). واکاوی نقش رسانه‌ها در افزایش قدرت نرم ایالات متحده آمریکا (نمونه موردی ایران). *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. ۱۱ (چهارم)، ۱۷۵-۱۹۴.
- آقایی، سیدداوود، صادقی، سیدسعید. و هادی، داریوش (۱۳۹۱). واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی جدید در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (اطلاع رسانی، سازماندهی و گسترش سریع تحولات). *روابط خارجی*. ۴ (۲ (پیاپی ۱۴))، ۷-۳۳.
- تومی، ایلکا (۱۳۸۳). *جامعه دانایی و پرسش‌های پژوهشی آینده*. (ترجمه اسماعیل یزدان پور). چاپ اول. تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات کشور.
- حاجی‌احمدی، مهدی، ملکیان، نازنین (۱۴۰۳). واکاوی نقش دیپلماسی رسانه‌ای در قدرت داخلی و روابط بین‌المللی کشورهای در حال توسعه. *فصلنامه سیاست خارجی* ۳ (۳۸)، ۱۲۷-۱۶۶.
- روحانی، ابوالفضل. و روحانی، مهدی (۱۴۰۲). نقش فضای مجازی در حکمرانی ملی ج.ا.ایران. *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*. ۱۳ (۵۳)، ۸۴-۶۱.

ظریف، محمدجواد (۱۳۸۷). *دیپلماسی چندجانبه*. تهران: انتشارات دانشکده روابط بین‌الملل.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ* (جلد ۱، ظهور جامعه شبکه‌ای). (ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز. حسن چاوشیان). تهران: نشر طرح نو، چاپ پنجم.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ* (جلد ۲، قدرت هویت). (ترجمه: احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان). تهران: نشر طرح نو، چاپ پنجم.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ* (جلد ۳، پایان هزاره). (ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان). تهران: نشر طرح نو، چاپ پنجم.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۶). *جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت*. تهران: نشر نی.

محسنی، منوچهر (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی جامعه‌ی اطلاعاتی*. تهران: نشر دیدار. چاپ اول.

مهربانی‌فر، حسین (۱۴۰۳). واکاوی نسبت رسانه‌های محلی و حکمرانی مردمی در سیاست‌های رسانه‌ای فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی*، ۲(۷)، ۱۳۵-۱۶۱.

- Bell, D. (1980). *The social framework of the information society. The microelectronics revolution*, Basil Blackwell, Oxford.
- Bjola, C., & Manor, I. (2022). The rise of digital diplomacy. In: *The Oxford Handbook of Modern Diplomacy. Oxford University Press*, 451-468.
- Castells, M. (2010). *The rise of the network society: The information age: Economy, society, and culture*. Wiley-Blackwell. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/book/10.1002/9781444319514>
- Castells, Manuel, (1997), *The Informational City: Information Technology, Economic Restructuring and the Urban-Regional process*. Oxford: Blacwell.
- Ebo, E. (1996), *Media Diplomacy and Foreign Policy: Toward a Theoretical Frameworks*, In: A. Malek (ed.), *News Media and Foreign Relations*, New York, Routledge.
- Gilboa, E. (2002), *Global Communication and Foreign Policy*, *Journal of Communication*.
- Farrell, H., & Newman, A. L. (2019). Weaponized Interdependence: How Global Economic Networks Shape State Coercion. *International Security*, 44(1), 42-79.
- Hampton, K. N., Goulet, L. S., Rainie, L., & Purcell, K. (2011). Social networking sites and our lives. *Pew Research Center*. Doi:<https://www.pewresearch.org>



- Harvey, D. (1989). *The condition of postmodernity: An enquiry into the origins of cultural change*. Blackwell Publishers
- Kaplan, A. M., & Haenlein, M. (2010). Users of the world, unite! The challenges and opportunities of Social Media. *Business Horizons*, 53(1), 59–68. 10.1016/j.bushor.2009.09.0
- Kello, L., 2023. The State in the Digital Era: Supreme or in Decline?. In *Digital International Relations* (pp. 51-72). Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781003437963-4/state-digital-era-lucas-kello>
- Maurer, T. (2020). *Cyberspace and International Relations: Rising Powers, Proxies, and Norms* Doctoral dissertation). Freie Universität Berlin Repository .<https://re-fubium.fu-berlin.de/handle/fub188/26495>
- Nye, J. S. (2022). The Future of Power in the Digital Age. *The Washington Quarterly*, 45(3), 7-22. https://books.google.com/books/about/The_Future_of_Power.html?id=jThyCT8d3mYC
- Prasad, Rama (2002), *Communication and Foreign Policy*, Journal of Communication, Dec.
- Sheafer, Tamir and Itay Gabay. (2009), The Media and Public Diplomacy; A Strategic Contest over international Agenda Building and Frame Building, *Political Communication*, Volume 26, Issue 4.
- Taylor, P. M. (1997), *Global Communicatio, International Affairs and the Media Since 1945*, New York, Routledge.
- UNESCO. (2022). *Global education monitoring report 2022: Non-state actors in education*. UNESCO. Doi:<https://en.unesco.org/gem-report/report/2022/non-state-actors>
- United Nations [UN]. (2022). *Secretary-General's roadmap for digital cooperation*. United Nations. Doi:<https://www.un.org/en/content/digital-cooperation-roadmap>
- UNODC (United Nations Office on Drugs and Crime). (2020). *Global report on cyber-crime and digital cooperation*. UNODC Publications. Doi:<https://www.unodc.org>
- UNODC. (2020). *Global Report on Cybercrime*. United Nations Office on Drugs and Crime.
- Zhang, Li (2010), The Rise of China: Media Perception and Implications for International Politics, *Journal of Contemporary China*.